

نقش مسجد در توسعه فضایی و کالبدی محله‌ای

دکتر خسرو کی‌منش

چکیده

مسئله نوشتار حاضر، تحلیل جایگاه و نقش مسجد به عنوان عامل مؤثر در تشکیل، تغییر شکل و رشد و توسعه شهرهای مسلمان‌نشین، از حد محلات تا کل شهر و اثبات پیوند ساختاری مسجد با ساختار کلی شهر و محله ضمن دارا بودن ابعاد معنوی - مادی است. در این راستا، با در نظر گرفتن دیدگاه کل نگرانه‌ای نسبت به مساجد در ساختار شهرها و محلات، طراحی و معماری شهرها و محلات، همچون يك عنصر منفرد معماری نگریسته نمی‌شود، بلکه با توجه به نقش اعتقادی و تاریخی مسجد و تغییرات جامعه سنتی به جامعه امروزی در عین حال، در قالب راه‌حل‌های شهرسازانه، در کلیت به توسعه فضایی - کالبدی محلات است چرا که مسجد همواره جزء لاینفک شهر مسلمان‌نشین و پیش از آن، عنصر تشکیل دهنده و هدایت کننده تغییرات و توسعه شهری بوده و حتی مبنای تمایز شهر از روستا به شمار می‌رفته است.

این مقاله، با در نظر گرفتن مسجد به عنوان هویت مشترک شهرهای اسلامی با ساختار و الگویی یگانه، به تأثیر مسجد بر رشد و توسعه بعد معنوی و فکری شهرها و محلات پیروی ساختار شهری از نظم خاص در احداث خانه‌های موجود در محلات به واسطه از میان رفتن تضاد میان فضای درونی و بیرونی و به‌طور کلی نقش مسجد در ساخت اکولوژیک شهرها و محلات اسلامی و آرام‌سازی سیمای ساختاری محلات و بهینه‌سازی توسعه شهری در راستای ایجاد مناطق و محلات پویا و زنده شهری و ساماندهی ساختار فضایی - کالبدی محله‌ای می‌پردازد. مطالعه حاضر، پژوهشی توصیفی (Descriptive) است که در آن علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای از شیوه مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه بهره‌گیری شده است.

واژگان کلیدی: ساختار محله‌ای - توسعه فضایی و کالبدی - ساخت اکولوژیک شهری.

مساجد هویت مشترک شهرهای اسلامی

در تمدن اسلامی، مساجد علاوه بر این‌که عامل اصلی تشکیل شهرها بوده‌اند، تعیین‌کننده الگوی کلی و هویت مشترک شهرهای اسلامی به شمار می‌رفتند. شهرهایی که به دست مسلمانان تغییر شکل یافتند یا احداث شدند، حیطه وسیعی از اقیانوس اطلس تا شبه قاره هند را در بر گرفته‌اند و علی‌رغم تنوع اقلیم و فرهنگ‌های بومی، با ساختار و الگویی یگانه ظهور نموده‌اند که مساجد در این فرآیند نقش کلیدی را برعهده داشته‌اند. از آن لحظه که شهرها و محلات و مساجد یگانه می‌شوند، دین و دنیا دیگر دو مقوله مجزا از یکدیگر نیستند. مساجد، شهرها و محلات، در راستای مشترک جهت دارند به نحوی که شهرها و محلات از آن جایی آغاز می‌گردند که مسجد پایان یافته است. برخلاف دیگر اماکن مذهبی نظیر کلیساها، در مساجد که حاصل کار معماران آگاه و عارف می‌باشند، تضاد میان فضای درونی و برونی اماکن از میان رفته است. به عبارت دیگر، میان مسجد و جامعه اسلامی پیوندی پیوسته وجود دارد، چنان‌که صحن مساجد معمولاً دارای درها و دروازه‌هایی است که از دو یا سه طرف، ارتباط مردم محلات را با مراکز شهر و بازار تسهیل می‌نماید.¹

مساجد و ساخت اکولوژیک شهرها و محلات اسلامی

برای هر فرد مسلمان در هر نقطه‌ای از جهان که باشد، مسجد از مفهوم خاصی برخوردار است. هر فرد حداقل طی پنج نوبت در طول شبانه روز از محل سکونت خویش ذهن و روح خود را متوجه خدا ساخته و در صورت عدم حضور در مسجد جهت ادای فریضه نماز هم راستا با موقعیت جغرافیایی مسجد که در مسیر قبله تأسیس یافته است، قرار می‌گیرد. این فضای والا و متعالی، معرف نظامی از اصول، ارزش‌ها و معیارهای مقدس امام مشخص و دقیق است؛ ارزش‌های اصیلی که بر جامعه‌ای اسلامی حاکم بوده، فراتر از زمان و مکان جغرافیایی بوده و امت واحده را در اذهان تداعی می‌نماید. در صورت تقویت این مشترکات، همان بنیان مرصوص که قرآن بر آن تأکید می‌نماید به وجود می‌آید. وحدت استواری که بر معماری شهرها و محلات اسلامی اثر گذارده و مکانی امن و محیطی آمیخته با صلح و صفا و تفاهم را پدید

¹ . عرفان، محمدهادی، معماری مسجد: ص ۵ .

می‌آورد. در این جاست که نقش کثرت در عین وحدت و وحدت در عین کثرت مساجد بر واحدهای مسکونی محلات تأثیر گذارده و کیفیت زندگی سالم را ارتقاء می‌بخشد. شهرهای اسلامی سنتی، براساس احساس دینی از زندگی، استقلال هر مؤمن، حرمت حریم خانواده‌ها و اهمیت خلوت‌گزینی شکل گرفته است. این طرز تلقی از زندگی کاملاً در ساخت اکولوژیک شهرهای اسلامی مؤثر بوده است که مرزهای پردوام محلات و خانه‌ها، بن‌بست بودن کوچه‌ها و محلات، انتخاب نوعی استقلال در واحدهای مسکونی و زندگی مشترک همه مردم محله، نمونه روشن آن است. چیزی که اخیراً در باغ شهرهای اروپای شمالی متداول گردیده است. شهر اسلامی بیش از آن که منزلگاهی برای قافله‌های عازم نواحی دوردست یا دژی برای حمایت از مؤمنان در برابر هجوم دشمنان باشد، مأمّن شیوه‌ای از زندگی بود که در آن همگان در تصمیم‌گیری و اجرای امور به ویژه در سطح محله‌ای، مشارکت داشته و مساجد به عنوان میعادگاه چنین مشارکتها و تجمعاتی از اهمیت به سزایی برخوردار بودند.

دیدگاه کل نگرانه نسبت به مساجد در ساختار شهرها و محلات

اصول معماری اسلامی ایران را که رأس آن معماری اماکن مذهبی و مساجد قرار دارد را می‌توان به پنج اصل به شرح ذیل تقسیم نمود:

۱ - مردم‌داری، به معنای داشتن مقیاس انسانی است، که می‌توان آن را در عناصر مختلف معماری اسلامی ایران مشاهده نمود.

به طور مثال، اگر سه دری را که همان اتاق خواب است در نظر بگیریم، اندازه آن برحسب نیازهای مختلف یک زن، مرد و کودک یا کودکان آنان در نظر گرفته شده است.

۲ - نیارش که به مجموعه چیزهایی که بنا را نگاه می‌دارد، اطلاق می‌گردد. نیارش شامل استاتیک بنا، علم ساختمان یا فن ساختمان و مصالح‌شناسی در آن است.

۳ - خود بسندگی بدین معناست که سازندگان بنا سعی می‌کنند تا مصالح مورد نیاز را از نزدیک‌ترین مکان‌ها و با ارزان‌ترین بها بدست آورند.

۴ - دون‌گرایی، در ساخت یک بنا و نحوه ارتباط آن با فضای خارجی لحاظ می‌گردد. بدین معنا که بنا به گونه‌ای ساخته می‌شود که همه فضای درونی آن با هم ارتباط مستقیم پیدا می‌کند. به دلیل موقعیت و وضعیت خاص بسیاری از مناطق ایران یعنی خشکی،

بادهای مختلف، شن‌های روان و... بناهای درون‌گرا رایج شده است.^۲ در یک نگاه به معماری ایران، می‌توان گفت که ایران در هنر، معماری و ادبیات خود، مجذوب پرهیز و پروا از سنگینی است و همین امر، بهتر از هر چیز دیگری معرف ویژگی آن است. در این جاست که معمار ایرانی با پیروی از اصول معماری اسلامی و به ویژه معماری مساجد، در جستجوی زیبایی فکر و بیان و بیش از آن، احساس راحتی و سبکی در احداث خانه‌ها در ساختارهای محله‌ای است.^۳

پیوند ساختاری مساجد با ساختار کلی شهرها و محلات

در شهرهای اسلامی، معماری مساجد، معماری مرکزی شهرها و محلات است. هنگامی که معماری کوفه به علی‌علیه‌السلام سپرده شد حضرت ابتدا مسجد کوفه را بنا ساختند. براساس سنت اسلامی پس از مسجد، مدرسه و سپس بازار را احداث می‌کردند. در تمدن‌های اسلامی، براساس سنن اسلامی سعی شده است تا هنگامی که تقسیم وظایف و گستردگی امور سبب شده تا ساختمان‌های مجزایی به وجود بیایند، حداقل با فضاسازی مشابه معماری مسجد، فضای معنوی مسجد به آن مراکز انتقال داده شود. در تمامی شهرهای سنتی چه در ایران و چه در کشورهای عربستان، مصر، سوریه و حتی شمال آفریقا و هند شاهد آن هستیم که در شهر و محله‌ای با هویت اسلامی، پس از مساجد که نماد مرکزی هر شهر یا محله‌ای هستند، خانه‌ها با همان قوس‌ها و مقرنس‌های معماری مساجد به وجود آمده و همان فضای مساجد را تداعی می‌کنند. در بنای بسیاری از مساجد، هنرهای گوناگونی با هم درآمیخته و زیربنایی خاص به معماری آنها داده است. معماری در توازن اجزاء کوشیده، نقاشی به الوان کاشی‌ها و نقوش توجه کرده، و خوشنویسی الواح و کتیبه‌ها را جلوه و جلا بخشیده است. علاوه بر شعر، موعظه‌ها و موسیقی نیز برای آنکه از دیگر هنرها باز نماند، در صدای مؤذن، بانگ قاری و واعظ مجال جلوه‌گری یافته است. حتی صنایع دستی نیز برای تکمیل و تزیین این مجموعه الهی به میدان آمده‌اند؛ از این رو اثرگذاری معماری مساجد بر معماری محلات و خانه‌های موجود در آن، از منظر زیبایی شناسانه مسئله قابل توجهی است؛ چرا که زیبایی محیط بر روان انسان تأثیر مطلوب گذارده، تجربه فضایی محله را تسهیل نموده

^۲ . پیرنیا، معماری اسلامی ایران: ص ۹۱ .

^۳ . آثار ایران: ج ۲ - ص ۳۷ - ۲۶ .

و در تقویت روابط عاطفی متقابل مؤثر است. وجود تنوع و یا تسهیل ارتباطات اجتماعی میان شخص و گروه در يك محله نیز در زمره ارزش‌های زیبایی شناختی هستند. از این رو، یکی از اهداف کلان طراحی و برنامه‌ریزی شهری است. می‌بایست حفظ و کثرت زیبایی محیط شهری باشد، ایجاد فضای دلپذیر و آرامش‌بخش در شهر وابسته به عناصر گوناگونی است. رنگ و نور از جمله مهم‌ترین عناصری هستند که الگوی معماری و طبیعت ساختاری مساجد در بسیاری از موارد، بهترین الگو برای ترکیب رنگ‌هاست؛ اما در شهرهای مدرن و امروزی عناصر طبیعی حضور کمتری داشته و بناهای محلات پیوسته به خاکستری و سیاه نزدیک‌تر می‌شوند.

مساجد و تغییر شکل و رشد شهرهای مسلمان‌نشین

عده‌ای از محققین براین باورند که دین اسلام به واسطه نظام ارزشی خود، الگوهای رفتاری، نقش سازمان‌های اجتماعی و مردمی نظیر مساجد در محل سکونت مسلمانان و مورفولوژی سکونت‌گاه‌های انسانی را تعیین نموده است. برای این عده، شهرهای اسلامی حاصل اعتقادات اسلامی است و تنها با درک اصول و قوانین اسلامی است که می‌توان با اکولوژی شهرهای اسلامی آشنا شد. در عوض، برخی محققین نیز به جای استفاده از عنوان شهرهای اسلامی، به مفاهیم حاصل از اسلام در شهرها معتقد می‌باشند. از اوایل دهه ۱۹۶۰، اعتراض به بازنگری نسبت به تکنولوژی مهار نشده و اثرات آن در محیط زیست، به ویژه انطباق نوع تکنولوژی بر محیط زیست و بازنگری به تکنولوژی پیشرفته و نتایج حاصل از تخریب محیط زیست، کاملاً با اصول و معتقدات اسلامی پیوند می‌خورد. جهان و تعادل‌های فوق‌العاده حساس محیط زیست که آفریدگار جهان آن را سامان داده است، امروزه در غرب به عنوان نظام اکولوژیک، بحث‌هایی را موجب گردیده است. انسان با نظام اکولوژیکی نمی‌تواند معامله کند. نمی‌تواند در آن مداخله نماید، آن را تضعیف نموده و در نهایت به تعادل‌های اکولوژیکی آسیب رساند. این طرز تفکر اکولوژیکی، کاملاً با نظام جهان و تعادل‌های حساس محیطی منطبق است. بی‌جهت نیست که در اعتقادات اسلامی بر تکنولوژی میانی و شایسته محیط زیست تأکید شده و سعادت انسان را در آن می‌یابد که در يك محیط هماهنگ با محیط طبیعی و یکدلی با آفریدگار این نظام اکولوژیک زندگی کند. چنین است که در اعتقادات اسلامی، انسان مسئول حفظ و نگهداری تعادل‌های محیطی است. در گذشته که اصول و اعتقادات اسلامی، محیط زیست شهری و معماری شهرها و محلات را تعادل و توازن می‌بخشید، ناشی از این طرز تفکر اسلامی بود. ناحیه‌گرایی در شهرهای اسلامی، ساخت اکولوژیک شهرها و محلات

و محیط زیست شهری را آسیب‌پذیر ساخته و وصله‌های ناجوری به عنوان شهرک‌های جدید با محلات جدید را پدید آورده است که تعادل‌های محیطی را بر هم زده‌اند. معماری اسلامی که نماد اصلی آن بنای مساجد است، با خلق یک اثر به صورت میدان، محله، ساختمان، آن را به عنوان یک تولید فیزیکی که می‌تواند خادماً نسل‌های بسیاری باشد به وجود آورده و در ساخت آن روح و فرهنگ مردم و شیوه زندگی آنان را دخالت می‌دهد.

مساجد و بهینه‌سازی توسعه شهری و محله‌ای

نقش مساجد در بهبود و بهینه‌سازی توسعه شهری و محله‌ای در راستای ایجاد منطقه یا محله فعال و زنده شهری از لحاظ کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهت تأمین مطلوب نیازها و خواسته‌های شهروندان به ویژه حفظ هویت و احیای فضاها و ابنیه قدیمی و تاریخی ارزشمند از یک سو و ارتقای توان تولیدی شهر یا محله و استفاده بهینه و به هنگام از زمین و تولید اراضی شهری مناسب جهت توسعه شهری و محله‌ای سازمان یافته و اصولی با تعیین کاربری‌ها و عملکردهای مطلوب از سوی دیگر، یا به عبارت کلی‌تر سازمان دهی ساختار فضایی - کالبدی محله‌ای و استفاده بهینه و به هنگام از پتانسیل‌ها و قابلیت‌های بالقوه محله‌ای و ایجاد تعادل میان کالبد قدیم و جدید شهری از اهمیت به سزایی برخوردار است.

مساجد و رشد بعد معنوی و فکری شهرها و محلات

در نگاهی کلی، اماکن مقدس و مذهبی به منزله تکرار کار نمونه خدایان در ادیان و آیین‌های مختلف است. به معنای دیگر هر مکان یا شیء که مورد تقدیس قرار می‌گیرد، سمبل و نماد تجلی نیروهای غیبی و الهی یا اولیاء الهی می‌گردد. همانندی معابد و اماکن مذهبی به کوه‌های کیهانی از این اعتقاد نشأت می‌گیرد که کوه مرکز جهان است. آنجا که کوه، زمین و آسمان را به هم پیوند می‌زند، به یک معنا آسمان را لمس می‌کند، فرازترین نقطه جهان را مشخص می‌سازد. کوه می‌تواند نمادی برای اتصال به مبدأ و جهان ماوراء الطبیعه باشد. در شکل ظاهری بسیاری از معابد و اماکن مذهبی معمولاً به عنوان نماد پیوند میان آسمان و زمین مورد توجه بوده است. در تمدن‌های بزرگ شرقی - از بین النهرین و مصر تا چین و هند و در تمدن‌های اسلامی، معابد و اماکن مذهبی، ارزش مهمی داشته‌اند. معابد و اماکن مذهبی منحصرأ تصور جهان نبوده، بلکه به نمایش دوباره دنیای نمونه خارج از جهان مادی نیز تعبیه شده‌اند.

میرچا الیاده براین باور است که جهان به عنوان کیهان به همان اندازه که خود را به عنوان یک جهان مقدس آشکار می‌سازد، درک‌پذیر می‌شود.^۴

از این‌رو انسان معتقد به مذهب و دین، هرگونه تصمیمی که برای استقرار در مکانی می‌گیرد، این تصمیم گویای این باور مذهبی است که کیهان کوچکی همانند ساختن آن با جهان برین که متعلق به ارواح قدسی و فرشتگان است، تقدیس نموده و غم غربت خود را کاهش می‌دهد. آرزوی او این است که با قدسیان و خدای خود پیوند داشته باشد. از این‌رو معابد و مراکز مذهبی را تجلی این پیوند می‌داند. و شهرها و محلات اسلامی، مساجد و فضاهای وابسته به آن همراه دیگر مراکز زیارتی و آموزشی، بعد معنوی و فکری شهرها را به وجود می‌آورند. در شهرهای اسلامی، محلات مسکونی، بازارها و سایر مراکز اقتصادی و اجتماعی با پیروی از نظم خاصی حول محور مساجد قرار گرفته‌اند. در واقع مسجد همچون چشمه‌ای با صفا جوئی‌های معنوی خود را به سوی محلات و اماکن جاری ساخته و نوعی فرهنگ پویای دینی را تبلیغ می‌نماید.^۵

فضاهای شهری، خانه‌ها، محلات و معابد از ارزش‌هایی تأثیر پذیرفته‌اند که در مسجد بر آن‌ها تأکید شده است. خانه شخصی، فضای داخلی بسته‌ای است که ضمن تأمین آرامش و امنیت خانواده، اندرونی اعضای آن به شمار می‌آید. پنجره‌ها کمتر به خانه‌های مجاور و کوچه‌ها اشراف دارند. البته پنجره‌ها چنان مشبک تهیه گردیده‌اند که افراد داخل منزل بتوانند فضای اطراف و مناظر محله‌ای را نظاره‌گر باشند بدون این که خودشان دیده شوند. کوچه ادامه خانه است و به عنوان دالان تلقی می‌گردد، تا آن که معبری برای داد و ستد، گردش و وقت گذرانی باشد. شهرهای اسلامی کهن، هیچ چیز در نخستین وهله میزان تمکن و دارایی ساکن خانه را مشخص نمی‌نماید؛ چرا که پیوستگی و تداخل پیچیده‌ای میان مسکن فقرا و اغنیا وجود دارد. آنچه که محلات زیبا را از خانه‌های ساده‌تر تفکیک می‌کند، وجود مجموعه‌های ساده، متوالی و متحدالشکل است در صورتی که در نوگرایی جدید، منطقه‌بندی و تقسیم‌بندی جدید شهری کاملاً قابل تشخیص بوده و شکاف طبقاتی را کاملاً ترسیم می‌نماید. در شهر اسلامی هر چند از اماکن مذهبی نظیر مساجد، فاصله گرفته می‌شود، دایره گسترده‌تر شده و از فشردگی آن کاسته می‌شود.

وجود مساجد در محلات و شهرهای اسلامی در مجموع، ناپایداری و فناپذیری

۴ . الیاده، میرچا - مقدس و نامقدس نصرالله زنگویی: ص ۴۷ .

۵ . بمات، شهر اسلامی: ص ۱۱ .

و موفق بودن امور مادی را ترویج نموده و بر ارزش‌های معنوی تأکید دارد.^۶

مساجد در شهرها و محلات اسلامی، به شکلی در محیط کالبدی اطراف خود جایگزین شده‌اند که بیش از هر چیز، تلفیق حجم هماهنگی محیط و تداوم فضایی را برای شهروندان جلوه‌گر می‌سازد. مساجد هیچ‌گاه از يك ورودی برخوردار نیستند، در حالی‌که غالباً می‌توان ورودی اصلی آن‌ها را تشخیص داد. در توجیه این نکته باید یادآور شد که راه‌یابی به مسجد و دسترسی مستقیم به آن از شاخه‌های گوناگون فضای مسکونی مسجد، مطلبی است گواه بر وجود تداوم زندگی متشکل و صمیمانه که سکونت و کار را به عبادت پیوند زده است.^۷

در شهرها و محلات ایران، مساجد به همراه زیارت‌گاه‌ها و تکایا، چنان در چشم‌اندازهای فرهنگی مؤثر واقع می‌شوند که در غالب آنها تنها ساختمان‌های مرتفع شهری، این اماکن هستند. همچنین در بافت شهری و محله‌ای، نقش مسجد آن قدر تعیین کننده و حساس است که گاهی مسیر اصلی خیابان را از ادامه و تعریض باز می‌دارد، به پاره‌ای از مشاغل اجازه فعالیت نمی‌دهد و در عین حال برخی حرفه‌ها را به شدت جذب می‌کند.^۸

شهر یا محله‌ای که با محوری مقدس احداث گردیده و سازندگان آن پی‌گیر تحقق معماری مذهبی بوده‌اند، جامعه‌ای را به یاد می‌آورد که باید منسجم، صمیمی و متحد باشد. در این صورت تمامی ساختار شهر یا محله، يك خانه را تشکیل می‌دهد. از این جهت برای نشان دادن جامعه شهری (بیت الاسلام) مطرح گردیده و در حقیقت بعد انسانی و معنوی بر فضاهای فیزیکی و کالبدی تفوق می‌یابد.^۹

در محلات سنتی، در پرتو مشترکات درونی و هماهنگی افراد در برگزاری آیین‌های مذهبی و فرهنگی که غالباً در مساجد محل برپا می‌گردد، افراد نوعی پیوند عاطفی میان یکدیگر در خود احساس می‌کنند. بزرگ و ریش سفید محل که معمولاً انسان متدین، سالخورده و دارای شهرت اجتماعی بالا و منزلت والاست، در جهت اتحاد و ایجاد تفاهم میان اهل محل می‌کوشد و از نزاع‌ها و کدورت‌ها تا حد امکان جلوگیری می‌کند. ساکنین محل به احترام وی، رفتار خویش را اصلاح و کنترل می‌نمایند و می‌کوشند تا هنجارهای مذهبی و سنتی را حفظ کنند. همبستگی مذهبی و پیوندهایی که در مسجد محله استحکام و استمرار می‌یابد، مرزبندی‌های

^۶ . بemat، شهر اسلامی: ص ۱۱۶ .

^۷ . فلامکی، باز زنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی: ص ۵۸ .

^۸ . شکویی، جغرافیای شهری: ج ۲، ص ۴۰۵ .

^۹ . بemat، شهر اسلامی: ص ۸۸ .

اقتصادی و طبقاتی را به تحلیل برده و گروه‌های غنی در کنار افشار کم درآمد، در نهایت صلح و صفا زندگی می‌کنند. فضاهای مسکونی نیز در قرار گرفتن کنار یکدیگر این انسجام و معیارهای ارزشی را رعایت نموده‌اند، زیرا کوشیده‌اند در ساختن خانه، همسایه‌های خویش را از نور و نسیم هوا و فضای باز محروم نساخته و زمینه‌های نگاه توأم با گناه را در ساخت و سازها فراهم نمایند. ورودی خانه‌ها و پوشش روی پلکانی که به بام منتهی می‌گردد، از محراب مساجد و آجرکاری ایوان‌های اماکن مذهبی الهام گرفته‌اند. کمتر خانه‌ای را می‌توان مشاهده کرد که از خانه‌های مجاور ارتفاع بگیرد. در این چنین محله‌هایی، میزان جرایم، بزه‌کاری و کج روی‌های اجتماعی ناچیز و قابل اغماض است. احساس تعلق مردم به فضاهای با ارزش مذهبی، از مشکلات و تنش‌های روانی آنان می‌کاهد و روح امید و آرامش را در ساکنین آنها تقویت می‌نماید.^{۱۰}

در سیمای شهرها و محلات جدید، اعم از ایران و دیگر کشورهای اسلامی معماران و برنامه‌ریزان شهری از تأثیرات سرنوشت ساز و تعیین کننده زلال فرهنگ قرآنی و سنت‌های دینی و بومی مساجد بیگانه گشته‌اند و بیش از آن که مبلغ مفاخر و سبک‌های هنر و معماری اسلامی باشند، جلوه‌های غربی و مادی‌گرایی و گرایش‌های اقتصادی را در ساخت شهرها و محلات مدنظر قرار داده‌اند که ارمغان آن، پیدایش ناهنجاری‌های اجتماعی - فرهنگی، فساد و ابتذال، نابسامانی‌های خانوادگی و جلوگیری از روند آرام‌سازی سیمای ساختاری محلات می‌باشد.

مساجد و آرام‌سازی سیمای ساختاری محلات

قرار گرفتن عمده مساجد محلی در مسیرهای دسترسی و برخورداری این مراکز از خدمات جانبی نظیر پارکینگ اتومبیل و خیابان‌های عریض جهت فراهم آوردن امکان تخلیه ترافیک در معابر جانبی و برخورداری این مراکز از اماکن سرویس دهی هم زمان به کلیه مراجعه‌کنندگان، علاوه براینکه برای ساکنین محلات مشکلاتی را ایجاد نمی‌نماید بلکه چنین طراحی شهری از مساجد، به تناسب توسعه فضایی با کارکردهای محله‌ای و آرام‌سازی سیمای ساختاری محلات منتهی می‌گردد.

^{۱۰} . کوثری، مشارکت فرهنگی: ص ۱۹۴ .

مساجد و ساختار منظم خانه‌های مستقر در محلات

در بررسی‌های به عمل آمده از قدیمی‌ترین مساجد ایران، این‌گونه به نظر می‌رسد که مرکزیت و محوریت مناطق مسکونی با مساجد بوده و در مکان‌یابی مساجد سعی گردیده که این اماکن جهت کلی شهر و ساختمان‌های مسکونی را مشخص نمایند.

در بررسی بافت قدیمی اکثر شهرهای ایران، جهت جغرافیایی تمامی ساختمان‌ها خصوصاً ساختمان‌های مسکونی هم جهت با مسجد و هم مسیر قبله بوده و عموماً مساجد دارای درب‌های مختلف در سه امتداد غیر قبله می‌باشند؛ به صورتی که دسترسی به این مراکز در هر مسیری امکان‌پذیر باشد. مهمترین نقش مساجد در توسعه فضایی و ساختاری محلات شهری در این است که چون مساجد اغلب به عنوان مراکز عمومی فرهنگی - مذهبی به شکل يك مجتمع برخوردار از کلیه امکانات فرهنگی اعم از سالن مطالعه، کتابخانه، سالن اجتماعات و صحن و رواق طراحی گردیده‌اند، از این‌رو، امکان انجام هرگونه فعالیتی در این مراکز در جهت اشاعه فرهنگ دینی و رفاه حال افراد ساکن در محلات شهری فراهم می‌باشد که این خود به طراحی محیط سازماندهی شده با کارکردهای متعدد در نظام محله‌ای منتهی می‌گردد.

آسیب‌شناسی ساخت مساجد در شهرها و محلات

در حال حاضر از نظر جغرافیایی و فیزیکی، ساخت مساجد، در کوچه و پس‌کوچه‌ها و مناطق کاملاً دور افتاده واقع شده و در مسیر زندگی عادی افراد ساکن در محلات قرار نمی‌گیرد. از نظر محتوایی نیز مسجد باید محور بسیاری از فعالیت‌ها قرار گیرد. در گذشته به این صورت بوده و مداس علمی و حوزه‌های علمیه در کنار مساجد و در صحن و حیاط مساجد ساخته می‌شدند. بسیاری از مراکز درمانی و آموزشی با مساجد در کنار مساجد بودند؛ به نحوی که اگر به عقب بازگشته و معماری اصیل برگرفته از آموزه‌های دینی خود را بررسی نماییم، خواهیم دید که مساجد به واقع محور اصلی معماری شهری و محله‌ای بوده و در حقیقت معماری ما، معماری مسجد محور بوده است. کلیدی‌ترین ساختمان‌ها پیرامون مساجد ساخته شده و محل ساخت مساجد در یکی از بهترین نقاط آبادی، شهر و محلات تعیین می‌گردید. به‌طور کلی می‌توان گفت که در گذشته محوریت به تمام معنای معماری ما با مساجد بوده است و این در حالیست که در حال حاضر فهم این مطلب کمی دشوار شده و عادت کرده‌ایم که مساجد را مستقل و جدا از بافت شهری و بدون در نظر گرفتن تأثیرگذاری معماری آن بر بافت شهری و محله‌ای تعریف نماییم.

منابع و مأخذ

- ۱ - عرفان، محمد هادی، معماری مسجد، ص ۵ .
- ۲ - پیرنیا، معماری اسلامی ایران، ص ۹۱ .
- ۳ - آثار ایران، ج ۳ ، ص ۳۶ - ۳۷ .
- ۴ - الیاده، میرچا - مقدس و نامقدس (نصرا... زنگویی، ص ۴۷).
- ۵ - بemat، شهر اسلامی، ص ۱۱ ، ۱۱۶ ، ۸۸ .
- ۶ - فلامکی، باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، ص ۵۸ .
- ۷ - شکویی، جغرافیای شهری، ج ۲ ، ص ۴۰۵ .
- ۸ - کوثری، مشارکت فرهنگی، ص ۱۹۴ .